



مرکز تحقیقات استراتژیک  
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۷۲

اردیبهشت ۱۳۹۶



ولی گل محمدی  
مرکز تحقیقات استراتژیک

ترکیه ی پسا فراندوم؛ روندهای سیاست داخلی و دورنمای سیاست خارجی

## مقدمه

با پیروزی هر چند شکننده طرفداران تغییر نظام سیاسی (۵۱,۳ درصد) در فراندوم ۱۶ آوریل، ترکیه‌ای نوین با برداشتی جدید از حکومت و سیاست در حال تولد است. مشخصه‌ی اصلی قانون اساسی جدید، تغییر نظام سیاسی به ریاستی و افزایش اقتدار و اختیارات رئیس جمهور است. تغییری که می‌تواند به اندازه تاسیس جمهوری ترکیه (۱۹۲۳) به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ سیاسی این کشور ثبت شود. براین اساس، گزارش حاضر به بررسی روندهای سیاست داخلی و راهبردهای سیاست خارجی ترکیه بعد از فراندوم می‌پردازد.

## بنظر می‌رسد که سیاست داخلی حداقل در

کوتاه مدت، بیش از روندهای سیاست خارجی تحت تاثیر تغییر نظام سیاسی ترکیه قرار می‌گیرد. نظام سیاسی جدید بعد از فراندوم نیاز به بازسازی دارد. با توجه به هویت غالب رهبران حزب حاکم و ائتلاف تعیین کننده ملی گراها در فراندوم، بنیان‌های نظام سیاسی جدید ترکیبی از اسلام‌گرایی

محافظه کار و ملی‌گرایی خواهد بود. برخلاف بسیاری از دیدگاهها، ترکیه نوین به سمت اسلامی کردن حکومت و سیاست حرکت نخواهد کرد؛ طبق مصاحبه‌های میدانی، اسلام در ترکیه یک امر ایدئولوژیک نیست، بلکه بیشتر یک امر فرهنگی و سیاسی است. از سوی دیگر، بسیج نیروهای داخلی با توجه به چندقطبی شدن جامعه، زیر سایه اسلام‌گرایی امکانپذیر نیست. حتی بسیاری از اسلام‌گراها مخالف تغییر نظام سیاسی بودند. رابطه اردوغان با طرفدارانش رابطه معنوی بین امام و امت نیست بلکه بیشتر ناشی از کیش شخصیتی اردوغان است. اردوغان بر احساسات حکومت می‌کند. از سوی دیگر، هنوز سنت سکولاریسم در جامعه مدنی ترکیه از قدرت بسیج‌کنندگی زیادی بر علیه هرگونه انحراف از ایدئولوژی سنتی حاکم بر این جمهوری برخوردار است. هرچند سنت کمالیستی در حال افول است اما روندهای پیش رو حتی می‌تواند موجب تقویت سکولاریسم شود. سکولاریسم با نفوذ خود در طبقه متوسط و نخبه جامعه ترکیه همیشه نیروی موازنه‌گر در برابر اسلام‌گرایی بوده است. طبق نتایج فراندوم،

## ۲ ترکیه‌ی پسا رفراندوم؛ روندهای سیاست داخلی و دورنمای سیاست خارجی

گروه سیاسی دیگر آماج حملات نظام حاکم خواهد بود و شاهد تشدید بیش از پیش مسئله کردی و تغییر رویکرد سیاسی دولت به سمت اتخاذ سیاست‌های سخت نسبت به تحرکات کردی در داخل خواهیم بود. این روند بویژه با حضور ملی گراها در توزیع قدرت جدید، تشدید خواهد شد.

عرصه سیاست خارجی به اندازه روندهای سیاست داخلی تحت تاثیر تغییر نظام سیاسی قرار نخواهد گرفت. حزب حاکم از سال ۲۰۱۱ هر آنچه در برنامه راهبردی خود داشته است به اجرا گذاشته و موانع داخلی زیاد بر کم و کیف آن تاثیری نداشته است. از سوی دیگر، بحث از ظهور امپراطوری عثمانی در چنین وضعیتی که ترکیه با مسائل ملی عدیده‌ای روبروست، بی معناست. با عنایت به این حقیقت که ترکیه یک قدرت میانه‌ای نیست، در عرصه اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی با محدودیت‌های قدرت ساختاری مواجه است. ترکیه در ۶ سال گذشته هر چه در توان داشت در معادلات جهان اسلام بکار گرفت اما نتایج مطلوبی برای این کشور حاصل نشد.

سال ۲۰۱۱ که ترکیه در اوج قابلیت‌های مادی، نظامی، و نفوذ معنوی در خاورمیانه بسر می برد، نتوانست بسیاری از برنامه‌های راهبردی خود را برای تبدیل شدن به رهبری جهان اسلام به اجرا بگذارد. درحالی که در حال حاضر قابلیت‌های مادی و نفوذ معنوی این کشور به عنوان یک مدل در میان کشورهای جهان اسلام تقلیل یافته است. گفتمان حاکم بر سیاست خارجی بنظر می رسد که ترکیبی از پان اسلامیسیم و پان تورانیسم باشد. بدین معنا که خاورمیانه و آسیای مرکزی و جغرافیای ترک نشین در اولویت ژئوپلتیکی سیاست خارجی ترکیه قرار خواهد گرفت. ذکر این نکته نیز ضروری بنظر می‌رسد

بسیاری از شهرهای سکولار بویژه در شمال و غرب آناتولی رای به عدم تغییر دادند. از سوی دیگر، کردها، ملی گراها و اقلیت‌های مذهبی همچون علویان هم در مقابل اسلام‌گرایی سنی هستند. راه دشواری برای تغییر نظام سیاسی به اسلام‌گرایی به عنوان ایدئولوژی حاکم در حکومت و سیاست ترکیه وجود دارد.

با این وجود، نظام سیاسی جدید به با توجه به عدم وجود نهادهای نظارتی، به سمت اقتدارگرایی حرکت خواهد کرد. از اینرو، شاخص‌های دموکراسی، حقوق بشری، و حاکمیت قانون روند نزولی خواهد داشت. اقتدارگرایی داخلی بیش از هر حوزه‌ای، شاخص‌های اقتصادی ترکیه را تضعیف خواهد کرد؛ اقتصاد ترکیه نفت ندارد و به شدت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت آزاد وابستگی دارد که در صورت تحکیم یک رژیم اقتدارگرا و تشدید بی ثباتی سیاسی، شاهد فرار سرمایه و کاهش ارزش پول ملی ترکیه (لیر) خواهیم بود. این مسئله موجب کاهش حجم صادرات و تولید ناخالص داخلی ترکیه می‌شود. شاخص‌های اقتصادی ترکیه از سال ۲۰۱۴ روند مثبتی نداشته است و جی دی پی این کشور از ۸۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به ۷۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته است. بازار سرمایه به شدت آشفته است و ارزش لیر در برابر دلار به شدت روند نزولی دارد (هر دلار؛ ۳٫۷ لیر). از سوی دیگر، بدهی خارجی ترکیه در سال ۲۰۱۶ به رقم نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده است. یکی از نتایج بارز رفراندوم و تغییر نظام سیاسی، تداوم روند نزولی شاخص‌های اقتصادی ترکیه خواهد بود. جامعه مدنی به شدت دوقطبی شده و این آشفتگی موجب اقتدارگرایی بیشتر در صحنه سیاست داخلی می‌شود؛ کردها بیش از هر



روابط راهبردی با آمریکا خوشبین شد؛ اما اینکه ترکیه چه جایگاهی در سیاست خاورمیانه ای ترامپ دارد، هنوز مشخص نیست و دولت ترکیه در انتظار رویکردهای جدید دولت ترامپ نسبت به همکاری راهبردی با ترکیه است. اصل ماجرا اینست که اردوغان نسبت به سیاست های آمریکا در سوریه سوءظن دارد؛ اینکه آمریکا با حمایت از کردها به دنبال پروژه تجزیه سوریه است.

با دوری از ابتکارت و راهبردهای کلان غرب، آلترناتیو موجود حرکت در راستای ابتکارت روسیه است. مشاور ارشد اردوغان، ایگید بولوت، بلافاصله بعد از رفراندوم اظهار داشته است که، ما مجبور به همکاری با روسیه هستیم، مشکلات موجود مرتفع خواهند شد. دمیتری پسکوو، معاون مطبوعاتی پوتین، نیز پیروزی اردوغان را تبریک گفت. اگر تغییر خاصی در روابط ترکیه و روسیه رخ بدهد، نقطه شروع آن در میدان سوریه خواهد بود. روابط راهبردی ترکیه با روسیه به شدت به یک محیط امنیتی مشترک مشروط است؛ ایجاد چنین محیط راهبردی مشترکی هم به تغییر رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در کانون های بحران خاورمیانه و حرکت در راستای ابتکارات روسیه بستگی دارد. متغیری که بیش از هر چیزی بر آینده روابط راهبردی روسیه-ترکیه تاثیر خواهد گذاشت، نه اتحادیه اروپا بلکه تفکرات راهبردی دولت ترامپ نسبت به ترکیه خواهد بود. فاصله گرفتن از غرب به معنای باز شدن خودکار دروازه های شرق برای ترکیه نیست. بلکه اتخاذ یک سری تغییرات اساسی در رفتار سیاست خارجی ضروری می نماید.

که تئورین سیاست خارجی سیستم سیاسی جدید ابراهیم کالین است. برخلاف داوداغلو که بر عمق ژئوپلیتیکی تاکید می کرد، کالین بر عمق ایدئولوژیکی ترکیه در جغرافیای مجاور تاکید دارد.

#### یکی از سوالات مهم ژئوپلیتیکی بعد از رفراندوم اینست که اردوغان چه رویکردی نسبت به اتحادیه اروپا خواهد داشت؟

یکی از اهرم های کمپین انتخاباتی اردوغان، گفتمان نازیسم و فاشیسم اروپایی بود که به شدت براساس یک برداشت تهدید از سیاست های اروپا در نظام تصمیم گیری ترکیه جدید مبتنی شده است. اقتدارگرایی داخلی و بحث از بازگرداندن حکم اعدام موجب تزلزل در روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا خواهد شد و یکی از پیامدهای دوری از نهادها و رژیم های حقوقی، سیاسی، و اقتصادی اروپایی، بلاتکلیفی در مسئله پناهجویان است که اردوغان بخوبی از آن به عنوان اهرم فشاری در برابر اروپا بهره برداری خواهد کرد. به هر حال، بنظر می رسد اردوغان در راهبردهای کلان خود بیش از آنکه اروپا را مدنظر داشته باشد، به آمریکای ترامپ و روسیه پوتین فکر می کند. در حال حاضر، ترکیه در یک وضعیت تنهایی استراتژیک بسر می برد.

دولت ترامپ طی تماسی پیروزی اردوغان را تبریک گفت. دو مسئله مهم در آینده روابط ترکیه-آمریکا تعیین کننده است؛ استرداد فتح الله گولن به عنوان عامل اصلی پشت صحنه کودتای ۱۵ جولای؛ و روابط راهبردی آمریکا با نیروهای کردی ی.پ.گ در میدان سوریه که در طرح پنتاگون در حمله به الرقه، کردها به ترکیه ترجیح داده شده اند. با حمله موشکی آمریکا به الشعیرات سوریه، اردوغان نسبت به آینده



ایدئولوژی ترکیه با مصر و عربستان سعودی وجود دارد.

یک روز بعد از رفراندوم، اردوغان با گفتن اینکه، عملیات سپر فرات آخرین عملیات نظامی ترکیه در منطقه نیست، سیگنالی مبنی بر احتمال شروع یک عملیات نظامی قریب الوقوع در مرزی های جنوب شرقی فرستاد. طبق یک نظر سنجی داخلی، از آنجائیکه هدف این عملیات ها تروریست های کردی هستند، ۷۵ درصد از شهروندان ترک از عملیات سپر فرات حمایت کرده اند. تحولات سوریه و عراق در صدر دستور کارهای سیاست خارجی ترکیه است و پیش بینی می شود که اردوغان برای کاهش فضای دوقطبی ایجاد شده بعد از رفراندوم، حمله ای خارجی داشته باشد (در چهار انتخابات گذشته عملیات خارجی وجود داشته است). این حمله می تواند تداوم عملیات سپر فرات به المنبج و الرقه در سوریه باشد، یا می تواند آغاز عملیاتی جدید در شمال عراق تحت عنوان عملیات سپر دجله باشد. به هر حال، کردها هدف خارجی این حمله قریب الوقوع قلمداد می شوند. چهار هدف بالقوه وجود دارند؛ منطقه غرب فرات، منطقه شرق فرات، سنجار، و شمال عراق؛ غرب فرات تحت کنترل روسیه است و شرق فرات تحت کنترل آمریکا و متحدین کردی آن است. احتمال حمله ترکیه به این دو منطقه ضعیف است. اما به احتمال زیاد ترکیه با حمایت نیروهای پیشمرگه اقیم خودمختار کردستان، حمله ای را بر علیه پ.ک.ک در سنجار بزودی آغاز می کند.

#### اما گام بعدی ترکیه در خاورمیانه چه خواهد بود؟

برخی از دولت های عربی از جمله امیر قطر، راشد الغنوشی در تونس، محمود عباس، خالد مشعل، گروه های اخوانی در مصر، نجیفی ها در عراق، و بسیاری از متحدین اخوانی ترکیه در سوریه همچون جیش الاسلام به اردوغان پیام تبریک فرستاده اند. بنظر می رسد که سلفی های منطقه از افزایش اقتدار اردوغان راضی نیستند. در این رابطه ذکر دو نکته ضروری بنظر می رسد؛ نخست، بدون تردید راهبردهای اردوغان در خاورمیانه برای برعهده گرفتن نقش رهبری تحولات جهان اسلام بیش از پیش ایدئولوژیک خواهد بود؛ اما تفاوتی که بین ترکیه جدید با ترکیه ۲۰۱۱ به عنوان یک مدل دمکراتیک اسلامی وجود دارد، اینست که رویکردهای آتی ترکیه در جهان اهل سنت به سمت حمایت آشکار از پروژه های اخوان المسلمین حرکت خواهد کرد؛ روندی که در گذشته خیلی پررنگ نبوده است. بدین معنا که اردوغان در قامت رهبری اخوان المسلمین منطقه ظاهر خواهد شد و این مسئله موجب ظهور دوگانه ی اخوانی-سلفی در تحولات جهان اهل سنت خواهد شد. دوم، ترکیه اگر نفوذ معنوی در جهان اسلام بویژه بعد از ۲۰۱۰ پیدا کرد و به عنوان یک مدل سیاسی معرفی شد، بخاطر اروپایی شدن و هویت این کشور به عنوان یک دولت اروپایی بود. در غیراینصورت، ترکیه اقتدارگرا با یک هویت خاورمیانه ای، نفوذ معنوی چندانی در جهان اسلام و خاورمیانه نخواهد داشت. بنابراین فضای مانور سیاسی و عملیاتی ترکیه در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا محدود خواهد شد و حتی احتمال برخورد منافع و



## روابط ترکیه و ایران تحت نظام سیاسی

### جدید به چه صورت خواهد بود؟

ابتدا باید گفت که فرازو نشیب روابط دوجانبه ایران و ترکیه بیش از هر چیزی تحت تاثیر همگرایی یا واگرایی منافع امنیتی بوده است. روابط متقابل اقتصادی هم آن را تقویت می‌کند. دو متغیر اصلی در همگرایی روابط ایران و ترکیه ی اردوغان تاثیرگذار بوده است؛ کردها و انرژی. در حال حاضر مسئله کردی خود به عامل واگرایی تبدیل شده است و عامل انرژی نیز با توجه به سیاست های تنوع سازی ترکیه در حوزه انرژی و بالا بودن قیمت گاز ایران، در حال از دست دادن تاثیرگذاری خود است. بنابراین، عوامل همگرایی در حال کاهش و عوامل واگرایی در حال افزایش است. اردوغان بعد از رفراندوم بازم از هژمونی پارس در عراق گفت. یکی از ستون های اصلی سیاست های خاورمیانه ای اردوغان در قالب پروژه های اخوانی، تقابل با ایران و تشیع خواهد بود. ترکیه اقتدارگرا یک جنبه مثبت و یک بعد منفی برای منافع ملی ایران دارد. بعد منفی ایسنت که اردوغان اقتدارگرا با اتخاذ رویکردهای ایدئولوژیک و عملیاتی در منطقه، حوزه نفوذ و مانور عملیاتی ایران را بویژه در سوریه و عراق محدود خواهد کرد. جنبه مثبت اینکه، ظهور یک رژیم اقتدارگرا در ترکیه موجب کاهش نفوذ معنوی آن به عنوان یک مدل سیاسی در جهان اسلام می‌شود، و از سوی دیگر به کانون توجه انتقادات حقوق بشری اتحادیه اروپا و حتی قطعنامه های شورای امنیت تبدیل خواهد شد که این مسئله می‌تواند ایران را از زیر ذره بین انتقادات حقوقی و سیاسی نهادهای جامعه بین المللی دور سازد. به هر حال، چگونگی برخورد و تعامل با

ترکیه جدید نیازمند بررسی همه جانبه روندهای آینده در سیاست داخلی و روابط خارجی این کشور است. باید تا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۹ منتظر ماند و بازسازی بنیان های نظام سیاسی جدید در این دوسال می‌تواند بسیاری از معماهای پیش رو در رابطه با آینده ترکیه ی اردوغان را مرتفع سازد. بنظر می‌رسد که در صورت دوری راهبردی ترکیه از غرب، با ابتکارات سیاسی روسیه پتانسیل های بالقوه برای وارد ساختن ترکیه به یک ائتلاف سه گانه (روسیه، ایران، و ترکیه) در تحولات منطقه ای وجود دارد. که نمونه آن را هرچند موقتی در طرح آستانه برای حل سیاسی بحران سوریه داریم. از سوی دیگر، در تحولات جهان عرب، تعامل با اخوانی ها در برابر راهبردهای سلبی سلفی های حوزه حاشیه خلیج فارس، منطقی بنظر می‌رسد.

